

A18-110
الف ۱۱ - ۱۸

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. A18

Date of filing: 21 AUG 84

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of MR. Most
- Date 10 APR 84
_____ pages in English 8 pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

English version
Filed on 10 APR 84
نسخه انگلیسی در تاریخ
ثبت شده است.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دادگاه داوری دعاری ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED
Date ۱۳۶۳ / ۵ / ۲۰
21 AUG 1984
No. A 18
شماره

نظر موافق ریچارد ام. ماسک

در مورد تصمیم دیوان در پرونده شماره الف ۱۸

CASE A 18

CONCURRING OPINION OF RICHARD M. MOSK

DUPLICATE ORIGINAL
نسخه برابر اصل

(۱)
اینجا نب بدلیل اینکه نص صریح بیانیه حل و فصل دعاوی دارندگان با صلاحیت "تابعیت دوگانه" (یعنی اتباع ایالات متحده و ایران) را مشمول صلاحیت دیوان داوری قرار می دهد، معتقدم که ضرورتی ندارد که دیوان درباره حقوق بین الملل عرفی ناظر بر حقوق "دارندگان تابعیت دوگانه" به بحث پردازد. در صورتیکه موازین حقوقی بین الملل در این مورد مصداق داشته باشد، به نظر اینجانب حقوق مزبور تا حدیکه شامل دعاوی "دارندگان تابعیت دوگانه" می گردد، به طرز صحیحی توسط دیوان بیان شده است. نه در مورد این موضع که هیچیک از "دارندگان تابعیت دوگانه" مشمول صلاحیت دیوان قرار نمی گیرند و نه در مورد این موضع که کلیه "دارندگان تابعیت دوگانه" مشمول صلاحیت دیوان هستند، اکثریت وجود ندارد. از این رو، برای اینکه به حصول اکثریت کمکی شده و این امکان فراهم شود که در رسیدگی به پرونده های بی شمار "دارندگان تابعیت دوگانه"، که متوقف مانده اند، پیشرفتی حاصل گردد، اینجانب با تصمیم دیوان موافقت می کنم. (۲)

بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی صریحا "دیوان را برای رسیدگی به دعاوی "تابع" ایالات متحده علیه ایران و دعاوی "اتباع" ایران علیه ایالات متحده

(۱) بیانیه دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر در باره حل و فصل دعاوی توسط دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران.

(۲) اینجانب با نظرات اعضاء دیوان، آقایان هولتزن و آلدریچ موافقم و نظر جداگانه حاضر را صرفا "بمنظور شرح و بسط برخی از نکاتی که آنان مطرح کرده اند، برشته تحریر می آورم.

صالح می شناسد. بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی بشرح زیر مقرر می دارد:

"تبعه" ایران و یا ایالات متحده، بر حسب مورد، بدین معنی است:
(الف) شخصی حقیقی که شهروند ایران و یا ایالات متحده می باشد.

تا تبعیت و شهروندی یکسان نیستند. "هر شهروندی، تبعه محسوب می شود، اما هر تبعه ای لزوماً شهروند کشور ذیربط نیست..."
P. Weis, Nationality and Statelessness in International Law 5-6 (2d ed. 1979).
شهروندی اصطلاح حقوق داخلی است نه حقوق بین الملل. Id. at 6; I L. Oppenheim, International Law 650 (H. Lauterpacht, 8th ed. 1955).

بنا بر این، طرفین بیانیه های الجزیره^(۳) عملاً "مقرر داشتند که اصطلاح "تبعه" به ترتیبی در مورد افراد به کار رود که همان مفهومی را داشته باشد که اصطلاح "شهروند" در حقوق داخلی کشور مورد بحث دارد. بنا بر این، تنها افرادی که تبعه ایالات متحده یا ایران هستند، می توانند در این دیوان اقامه دعوی کنند. افراد دیگر که تبعه (کشور ذیربط) بوده اما شهروند نباشند نمی توانند طرح دعوی کنند و لاینکه دعوی آنها طبق حقوق بین الملل عرفی قابل طرح باشد.

طبق قانون ایالات متحده یک نفر "شهروند" ایالات متحده می تواند تبعه کشور دیگری باشد. Perkins v. Elg, 307 U.S. 325, 329 (1939); 8 M. Whiteman, Digest of International Law 64 et seq. (1967).

طرفین بیانیه های الجزیره، با تعریف اصطلاح تابعیت به مفهوم شهروندی، دعاوی کلیه اتباع ایالات متحده، از جمله دعاوی کسانی را که تابعیت ایرانی خود را نیز حفظ کرده اند، مشمول صلاحیت دیوان کرده اند. نحوه نتیجه گیری دیوان دآوری دائر بر اینکه "تعریفی که بیانیه حل و فصل از اتباع بعنوان شهروندان بدست می دهد طریق نارسائی جهت طرح موضوع تابعیت دوگانه است"، برای من قابل

(۳) بیانیه حل و فصل دعاوی، و بیانیه دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر ("بیانیه عمومی") و سند تعهدات مربوط.

درک نیست .

در بیانیه های الجزیره هیچگونه قرینه ای دیده نمی شود که مشعر بر این باشد که قصد طرفین این بوده که دعای شهروندان ایالات متحده را که در عین حال تبعه ایران هم هستند از حیطه شمول صلاحیت دیوان مستثنی کنند. در واقع ، وقتی که طرفین می خواستند دعای برخی از شهروندان ایالات متحده را از حیطه شمول دیوان مستثنی سازند ، آنرا به صراحت ذکر کردند. مثلاً ، بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعای ، برخی از ادعای شهروندان ایالات متحده ، از جمله دعای مرتبط با توقیف ۵۲ نفر شهروند ایالات متحده در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸) را مستثنی می کند. اینکه اگر دولتین می خواستند دعای "دارندگان تابعیت دوگانه" را مستثنی نمایند ، صریحاً " آنرا قیدی کردند. با این واقعیت نمایان تر می شود که آنها در موافقتنامه فیما بین دیگری به این کار مبادرت ورزیدند. رجوع شود به : عهدنامه مودت، روابط اقتصادی ، و حقوق کنسولی بین ایالات متحده آمریکا و ایران ، تاریخ اجراء ۱۶ ژوئن ۱۹۵۷ (۲۶ خرداد ماه ۱۳۳۶) 284 U.N.T.S. 93, 8 U.S.T. 899 (ماده هشت "دارندگان تابعیت دوگانه" را از استفاده از مزایای بعضی از معافیت ها محروم می کند).

دیر زمانی است که مسئله تابعیت دوگانه یکی از موضوعات مهم مورد بحث در حقوق بین الملل عمومی بوده است (مثلاً رجوع شود به : M. Katz & K. Brewster, The Law of International Transactions and Relations 40 et seq. (1960)). و بنا بر اظهار هر دو دولت در عهدنامه های متعددی که ایالات متحده و ایران، از اطراف آنها هستند به این مسئله عنایت شده است. اگر همانطوریکه ایران می گوید، این موضوع چنان موضوع حساسی بود، انتظار می رفت که ایران اطمینان حاصل نمایند که "دارندگان تابعیت دوگانه" صریحاً از شمول صلاحیت دیوان، مستثنی شده اند.

یکی از هدفهای بیانیه های الجزیره این بود که دعای مطروح علیه ایران توسط اتباع آمریکا در دادگاههای آن کشور به دیوان داور منتقل شده و به توقیف داریهای

ایران در ایالات متحده به نفع اتباع ایالات متحده خاتمه داده شود. رجوع شود به اصل کلی بیانیه عمومی و بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی^(۴) از اقدامات ایران دایر بر دریافت احکام ختم دعاوی در ایالات متحده، چنین برمی آید که ایران نمی خواست "دارندگان تابعیت دوگانه" به اقدامات قانونی خود علیه ایران در دادگاههای ایالات متحده و توقیف اموال ایران ادامه دهند. از آنجائیکه بیانیه های الجزیره ختم جریان دعوی در دادگاههای ایالات متحده را به حل و فصل ادعاها از طریق داوری لازم الاتباع دیوان داوری^(۵) (اصل کلی بیانیه عمومی)، مرتبط ساخته، بنابراین دعاوی کسانی که در مدت ذیربط شهروندان ایالات متحده بوده و طبق بیانیه عمومی ادعاهای آنها بحال تعلیق درآمده یا مختومه اعلام گردید، مشمول صلاحیت دیوان می شود، مادام که موضوع اینگونه دعاوی در حیطه صلاحیت دیوان قرار گرفته در واقع، ایران در استدلال خود برای ختم ادعاهای مطروح توسط "دارندگان تابعیت دوگانه" در دادگاههای ایالات متحده متذکر گردید دیوان داوری برای رسیدگی به اینگونه دعاوی صلاحیت دارد.^(۶)

(۴) اصل کلی ب مشعر بر این است: "قصد هر دو طرف، در چهارچوب و پیرو شرائط دو بیانیه دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر اینست که کلیه دعاوی بین هر دولت با اتباع دولت دیگر را لغو و موجبات حل و فصل و ابطال کلیه این دعاوی را از طریق یک داوری لازم الاجراء فراهم نمایند".

بند ۲ ماده هفت مقرر می دارد:
"ادعاهائی که به هیئت داوری ارجاع میشود، از تاریخ طرح ادعا نزد هیئت داوری، خارج از صلاحیت قضائی دادگاههای ایران و ایالات متحده یا هر دادگاه دیگر خواهد بود".

(۵) علیرغم نص بیانیه های الجزیره، ایران استدلال کرده است که حتی اگر دیوان هم برای رسیدگی به ادعای "یک فرد دارای تابعیت دوگانه" صلاحیت نداشته باشد، نمیتوان به جریان دعوی در دادگاههای ایالات متحده ادامه داد.

(۶) علیرغم نام خانوادگی خواهانهای پرونده های مذکور، استدلال ایران اینست که لزوماً "از" تابعیت دوگانه "اینگونه خواهانها اطلاع نداشته است. مع الوصف اینکه ایران در آن زمان به مسئله تمیز بین شهروندان ایالات متحده که "تابعیت دوگانه" داشته، و کسانی که فاقد تابعیت دوگانه بوده اند، حتی اشاره ای هم نکرده

گفته شده است که تفسیر (واژه) "اتباع" به گونه ای که شامل کلیه "دارندگان تابعیت دوگانه" شود، هر "فرد دارای تابعیت دوگانه" را قادری سازد علیه ایران، یا علیه ایالات متحده، یا هر دو، در این دیوان اقامه دعوی نماید. چنین استنتاجی، استنتاج "عبثی" است. اصفهانیان علیه بانک تجارت. حکم شماره ۲ - ۱۵۷ - ۳۱ (۲۹ مارس ۱۹۸۳/۹ فروردین ماه ۱۳۶۲). نباید برای اینگونه امکانات تئوریک اهمیت چندانی داده شود. قریب به ای حاکمی از اینکه خواهانی در این دیوان هم علیه ایالات متحده و هم علیه ایران، اقامه دعوی کرده باشد، موجود نیست.

در رویه دعاوی بین المللی، شمول صلاحیت بر "دارندگان تابعیت دوگانه" بی سابقه نیست. مثلاً رجوع شوبه :

Friedberg, Unjust and Outmoded - The Doctrine of Continuous Nationality in International Claims, 4 Int'l Law. 835, 848 (1970); R. Lillich, International Claims: Postwar British Practice 31-33 (1967); I. R. Lillich and B. Weston, International Claims: Their Settlement By Lump Sum Agreements 57-60 (1975); Hein V. Hildesheimer Bank (Great Britain V. Germany), 2 Trib. Arb. Mixtes 71 (1922); Blumenthal Case (France V. Germany), 3 Trib. Arb. Mixtes 616 (1923); Grigoriou Case (Greece V. Bulgaria), 3 Trib. Arb. Mixtes 977 (1924); Apostolidis Case (France V. Turkey), 8 Trib. Arb. Mixtes 373 (1928).

علاوه بر این، دولتها می توانند از طریق توافق به اتباع خود حقوقی اعطاء نمایند (و اعطاء کرده اند) که مستقیماً "در یک دیوان داوری بین المللی معین، علیه دولت دیگری حتی علیه خود آن دولتها قابل اجرا باشد، فی المثل رجوع شوبه :

Steiner and Gross V. Polish State (Upper Silesian Arb. Trib.), 4 Ann. Dig. of pub. Int'l L. Cases, Years 1927-28, 291-92

است، دال بر اینست که ایران به ختم اقدامات قضائی در دادگاههای ایالات متحده علاقه بیشتری داشته است تا به امکان طرح دعوی توسط "دارندگان تابعیت دوگانه" در این دیوان.

(A. McNair & H. Lauterpacht, eds. 1931); Charter of the Supreme Restitution Court, Annex to Chapt. 3 of the Convention on the Settlement of Matters Arising out of the War and the Occupation of 26 May 1952, as amended on 23 October 1954, Chapt. 4. reprinted in (German) Bundesgesetzblatt, 1955 II, 431-32; C. Norgaard, The Position of the Individual in International Law 238-39 (1962).

همانطور که دیوان داوری نیز اشاره نموده، ممکن است که استفاده نامشروع و فریب آمیز یک شهروند ایالات متحده از تابعیت آمریکائی یا ایرانی خود اثر معکوسی بر ادعای وی گذارد. رجوع شود به :

Flegenheimer Case, XIV U.N. Rpts. Int'l Arb. Awds. 327, 398 (U.S. - Ital. Conc. Comm. 1958).

معهدا، باید خاطر نشان ساخت که قوانین ایران تابعیت ایران را بر طیف وسیعی از مردم تحمیل کرده، ترک تابعیت را بسیار مشکل نموده و کسانی را که موفق به ترک تابعیت می شوند شدیداً "در مضیقه قرار می دهد." (۷)

(۷) شهروندان ایران از جمله نمی توانند قبل از رسیدن به سن ۲۵ سال تمام، کسب اجازه از هیئت وزیران، دادن ترتیبات لازم جهت انتقال کلیه حقوق خود بر اموال غیر منقول که در ایران دارا می باشند (از جمله "آنچه که ممکن است بالوراشه دارا شوند") به اتباع ایرانی، ترک تابعیت نمایند. کسانی که تابعیت ایرانی خود را ترک می کنند، باید ایران را ترک کنند یا اخراج شوند. این قبیل افراد بعد از ترک تابعیت فقط یکبار حق دیدار از ایران را خواهند داشت و آنهم با "اجازه ویژه" هیئت وزیران. ماده ۹۸۸ قانون مدنی ایران. موارد زیر نمونه هائی از کسانی هستند که تبعه ایران شناخته می شوند: زن خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند، کسانی که پدر آنها ایرانی است و کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام لا اقل یکسال دیگر در ایران اقامت کرده باشند. ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران.

لذا ، تعدادی از شهروندان ایالات متحده به علت عدم تمایل به از دست دادن اموال و چشم پوشی از حق دیدار خانواده خود نتوانسته یا نخواسته اند تا بعیت ایرانی خود را ترک کنند . به دعاوی آنها در دادگاههای ایالات متحده یا خاتمه داده شده یا آن دعاوی ، بحالت تعلیق درآمده است . عوامل مزبور باید هنگام رسیدگی به استفاده یا سوء استفاده ادعائی "دارندگان تابعیت دوگانه" از تابعیت ایرانی خود ، مورد توجه قرار گیرند . (۸)

به دلایل پیش گفته ، به نظر این جانب اگر بیا نیه حل و فصل دعاوی "بر اساس معنی و مفهوم متداول عبارات عهدنامه و به مناسبتی که آن عبارات به کار رفته اند و با توجه به هدف و مقصود عهدنامه ، با حسن نیت " تفسیر شود ،

(Vienna Convention on the Law of Treaties, Article 31, paragraph 1, reprinted in 8 I.L.M. 679 (1969)),

صرف طرح دعوی توسط فردی با "تابعیت دوگانه" موجب نمی شود که دیوان دآوری صلاحیت رسیدگی به آن را نداشته باشد .

همانطور که در فوق اشاره شد ، چنانچه ضوابط حقوق بین الملل در خصوص تابعیت دوگانه قابل اعمال باشد ، این جانب با تصمیم دیوان دایر بر رسیدگی به دعاوی "دارندگان تابعیت دوگانه" طبق ضوابط حقوق بین الملل ، موافقم .

این جانب جهت کمک به دیوان دآوری در صدور نظر اکثریت که رسیدگی

(۸) در مورد انطباق یا عدم انطباق قوانین تابعیت ایران با ضوابط مورد قبول بین المللی فی المثل رجوع شوده :

Art. 9(1), Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women, December 18, 1979, entered into force Sept. 3, 1981, G.A. Res. 34/180 (annex), 34 U.N. GAOR Supp. (No. 46) at 193, U.N. Doc. A/Res/34/180 (1980), reprinted in 19 I.L.M. 33 (1980); Art. 15(2); Universal Declaration of Human Rights, G.A. Res. 217, U.N. Doc. A/180 at 71 (1948).

به ادعاهای مطروحه توسط "دارندگان تابعیت دوگانه" رامیسرازد، با
تصمیم دیوان داوری در این پرونده موافقت می نمایم .

لاهور، بتاريخ ۱۰ آوریل ۱۹۸۴ برابر با ۲۱ فروردین ماه ۱۳۶۳

R. M. M. Mas

ریچازد ام. ماسک